



خبر

یحیی از مربی برزیلی اش چه می خواهد؟

دو ماه فقط

تماشا کن!

بالاخره به هر قیمتی بود پرسپولیس موفق شد جای خالی حمید مطهری را با یک مربی برزیلی پر کند اما آیا واقعاً در کوتاه مدت این مربی می‌تواند در پرسپولیس تأثیرگذار باشد و شرایط فنی این تیم را ارتقا بخشد؟ ویرا درحالی که پرسپولیس پیوست که نه از فوتبال آسیا و ایران شناختی دارد و نه تفکرات یحیی گل محمدی و کیفیت و خصوصیات بازیکنان را می‌شناسد. باور کنید حتی اگر یک مربی ایرانی در این شرایط قرار بود به پرسپولیس بیاید، مدتی طول می‌کشید تا اتمسفر تیم بزرگ پرسپولیس را بشناسد چه رسد به یک مربی برزیلی که تاکنون از کشورش خارج نشده. در حالت عادی انتظار می‌رود ویرا که از دیروز در تمرین حاضر شد برای مدت دو ماه دست به سیاه و سفید نرزد و فقط تماشاگر باشد تا بداند در پرسپولیس چه خبر است. او باید نام و نشان بازیکنان، خصوصیات فنی و اخلاقی آنها را بشناسد و طی صحبت‌ها و جلسات طولانی با افکار و نگاه یحیی گل محمدی به فوتبال و شرایط تیمش و آنچه در نظر دارد، آشنا شود.

در فوتبال ایران معمولاً مربیان با انکا به روابط خود تیم می‌گیرند و بعضاً دستیاران قوی انتخاب می‌کنند تا کارهای مهم مثل برنامه‌ریزی و طراحی تمرین را به آنها بسپارند و خودشان بالا سر کار باشند اما در فوتبال دنیا همه این امور برعهده سرمربی است. سرمربی است که پلن تمرینی و حتی برنامه بدنسازی پیش‌فصل و طول فصل را ترسیم می‌کند و مربی بدنساز بنا به خواسته‌های سرمربی می‌داند کجا و چگونه می‌باید بدن بازیکنان فشار بیاورد یا رهاشان کند. پرسپولیس اوسمار ویرا برزیلی را آورده بدون اینکه او پرسپولیس را بشناسد و پرسپولیس او را. احتمالاً انتخاب یحیی بر اساس رزومه این مربی و شنیده‌هایشان بوده و گزینه بعید است این انتخاب بر اساس یک شناخت جامع و دقیق رقم خورده باشد. حالا تصور کنید اگر این مربی به کار پرسپولیس نیاید و یکی باشد مثل برادر برانکو آن وقت چه باید کرد؟

در حالت عادی حداقل دو ماه طول خواهد کشید تا این مربی فوتبال ایران را بشناسد و بعد از آن تازه اگر چیزی در چنته داشته باشد و حرفش را گوش کنند، باید ببیند یحیی کیست و از فوتبال چه می‌خواهد. او باید دقیقاً بداند افکار فوتبالی یحیی چگونه است و دوست دارد در ایده‌آل‌ترین حالت تیمش چگونه بازی کند. حمید مطهری و یحیی یگجور فوتبال دوست داشتند و نگاه‌شان و فلسفه بازی تیم‌شان یکی بود؛ فوتبال مبتنی بر مالکیت و دیکته کردن بازی بر حریف اما ویرا چقدر افکار یحیی را می‌شناسد؟

تازه حالا اینجاست که ویرا بعد از شناخت از فضای لیگ، تیم پرسپولیس و سرمربی‌اش وارد کار می‌شود اما باید افکار در راستای ایده‌آل‌های یحیی داشته باشد و ایده‌هایش در تضاد با اهداف فوتبالی و فنی گل محمدی نباشد. در فوتبال دنیا هم همین گونه است و دستیاران و آنالیزورهای متعددی که برای سیتی یا لیورپول کار می‌کنند همه در راستای تفکرات پپ گواردیولا و بورکن کلپ گام برمی‌دارند و گزینه همه چیز بهم خواهد ریخت. هنوز نمی‌دانیم اوسمار ویرا تئوریست یا تمرین دهنده اما با توجه به اینکه خیلی دیر به تیم اضافه شده تا چندین هفته نمی‌تواند در طراحی تمرین و کوچینگ کمک کند و فعلاً باید مسائل کلی و اساسی‌اش را با یحیی در میان بگذارد و فقط نگاه کند اما آیا پرسپولیس این همه هزینه کرده و از برزیلی مربی آورده که حداقل دو ماه کار مثبتی انجام ندهد؟



محمد مهدی مهدیخانی

بالاخره تیم پیدا کرد؟

بازیکن ناکامی که طی یک سال و نیم گذشته برای پرسپولیس خیلی خیلی کم بازی کرد و بیشتر اوقات حتی در لیست این تیم هم قرار نمی‌گرفت حدود یک ماه قبل از پرسپولیس جدا شد اما مشخص بود با شرایطی که فصل قبل داشته بعید است تیمی پیدا کند. حالا گفته می‌شود مس کرمان تیمی که تازه از لیگ یک صعود کرده خواهان مهدیخانی است هر چند این انتقال هنوز صورت نگرفته و در صورت تحقق برای مهدیخانی یک برد به حساب می‌آید.



سیدجلال حسینی

معذرت خواهی بی‌حاصل از ملوان

با اینکه باشگاه پرسپولیس از ملوان عذرخواهی کرد اما بازی خدا حافظی سیدجلال که قرار بود بین این دو تیم برگزار شود بهم خورد. در واقع پرسپولیس یک معذرت خواهی بی‌حاصل انجام داد و گفته می‌شود سیدجلال هم از این شرایط ناراحت است. با این حساب بازی خدا حافظی سیدجلال ظاهراً بهم خورده و بعد از آن هم که وارد لیگ می‌شویم و جام جهانی در راه است. شاید قسمت باشگاه پرسپولیس نباشد که این بازی را برگزار کند.



یگور کاتاتو

توافق اولیه حاصل شد؟

دیروز منابع خبری اعلام کردند باشگاه پرسپولیس بالاخره موفق شده با یکی از گزینه‌های مد نظرش برای خط حمله به توافق اولیه دست یابد. هر چند از باشگاه پرسپولیس هیچ‌کس دوست ندارد در این باره اطلاعات بدهد اما گفته می‌شود این بازیکن کسی نیست جز یگور کاتاتو که در سری ب برزیل بازی می‌کند. نام این بازیکن بلندقامت و تکنیکی یکی دو هفته قبل برای حضور در پرسپولیس مطرح شد اما در آن مقطع گفته شد توافقی حاصل نشده.

رنجبران: استانکو می‌گفت کارلوس دفاع چپ باشد، رنجبران دفاع راست از کیا حمایت شد اما از من نه



محسن رنجبران مدافع سرعنی سابق پرسپولیس که از تیم برق شیراز به جمع سرخپوشان پایتخت پیوست در رابطه با شرایط فعلی پرسپولیس و دوران بازی خودش حرف زد؛ مدافعی که استانکو در پرسپولیس و محمد مایلی‌کهن اعتقاد زیادی به بازی او داشتند.

پرسپولیس امسال به نظرتان به شکلی بسته شده که قهرمان شود؟
بعد از پنج قهرمانی متوالی که پرسپولیس کسب کرد توقع هواداران تیم بالا رفت، به شکلی که حتی نایب قهرمانی هم به مذاق هواداران خوش نیامد، از این رو امسال مهره‌های زیادی جذب شدند که اسمی هستند اما با وجود این برای اینکه تیم و بازیکنانش خوب محک بخورند باید عملکرد آنها را در چند بازی دید و به قولی چهار، پنج هفته که از شروع لیگ بگذرد قادر هستیم تا عیار پرسپولیس را برای قهرمانی بسنجیم.

شما هم معتقدید پرسپولیس حتماً به جذب مهاجم خارجی نیاز دارد؟
من معتقدم برای رقابت‌های داخلی بضاعت فعلی کافی است و در این بین می‌توان روی حامد پاکدل حساب ویژه‌ای باز کرد اما اگر بحث بازی در آسیا باشد حتماً پرسپولیس به جذب مهاجم خارجی نیاز دارد.

چرا بعد از شما و مهدوی کیا دفاع راست خوب و انجاری در این تیم ندیدیم؟
بعد از خودم، صادق محرمی را در پست دفاع راست بازیکن خوبی دیدم، مدافع راستی که هم خوب دریل می‌زند و هم از سرعت بالا برخوردار است و هم سانترهای خوبی ارسال می‌کند. الان هم دانیال مدافع خوبی است اما باید دید او در تیم بزرگی مانند پرسپولیس می‌تواند آن درخشش گذشته را داشته باشد.

شنیدیم خاطره جالبی از حضورتان در بازی تیم ملی چین و بازی به جای مهدوی کیا دارید که به نیکواری مایلی‌کهن از تعویضتان منصرف شد؟
بله ما دو گل از چین دریافت کرده بودیم. در آن بازی مهدوی کیا در دفاع راست بازی می‌کرد و ما هم دو گل از حریف عقب افتادیم. در چنین وضعیتی بودم که آقای مایلی‌کهن به من گفت گرم کنم و آماده حضور در زمین به جای مهدوی کیا باشم. در این گیر و دار و در حالی که بند کفشم را می‌بستم مهدی گل اولش را زد.

و لحظاتی بعد هم مهدوی کیا گل دوم خودش را زد. به همین دلیل آقای مدیررستا به من گفت فعلاً دست نگه دار و سرمربی تیم ملی از حضورم در زمین منصرف شد.

بدشمنی‌تان شاید این بود که به دوره اوج مهدوی کیا خورید؟
من ۸ بازی در تیم ملی انجام دادم. مهدوی کیا هم بازیکن خوبی بود و حمایت لازم هم از او انجام شد اما آن حمایت لازم از من انجام نشد. باور کنید خود آقای دادگان می‌گفت چرا از من استفاده نمی‌کنند و مایلی‌کهن هم آنقدر به من اطمینان داشتند که وقتی می‌خواستند قدرت بازیکنان مدنظرشان را بسنجند مرا رودرروی آنها در تیم قرار می‌دادند تا آنها را خوب بسنجند، به همین دلیل بعضی از بازیکنان بزرگ تیم ملی در اردو نظیر شاهرودی و مرحوم میناوند می‌گفتند در تمرین ما را آذیت نکن تا بتوانیم بازی خودمان را ارائه دهیم.

استانکو هم اعتقاد زیادی به بازی شما داشت؟
بعد از محرومیت سعداوی، آقای عابدینی در تماسی که با آقای هوشنگ مقدس داشتند از ایشان خواستند زمینه حضور من را از برق شیراز در پرسپولیس به هر شکل ممکن مهیا سازد. استانکو اعتقاد زیادی به بازی من داشت و می‌گفت کارلوس باید در دفاع چپ بازی کند و رنجبران در دفاع راست. واقعاً یادش بخیر، سه سال خوب در پرسپولیس داشتم و جدا از استانکو با حمید درخشان و علی پروین هم کار کردم.

شما گلزن‌ترین دفاع راست بودید؟
در برق شیراز که بودم سالی شش یا هفت گل می‌زدم که البته هیچ‌کدام این گل‌ها از روی نقطه پانته نبود، در حالی که اگر عملکرد سایر مدافعان راست شاخص آن زمان نظیر سعداوی یا زرنیچه و سایر مدافعان راست را دقت کنید به این موضوع می‌رسید که هیچ‌کدام آنها قدرت گلزنی مرا نداشتند و باور کنید از کنار زمین خودمان تا پرچم کرزن حریف محل جولان من بود، به شکلی که نزدیکانم به زبان محلی خودمان می‌گفتند تیله شیر فوتبال وارد زمین شد و به این شکل از بازی‌ام تعریف و تمجید می‌کردند.

مهدوی کیا خورده بود؟
مهدوی کیا خورده بودم اما در آن زمان من در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد. من در آن زمان در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد. من در آن زمان در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد.

مهدوی کیا خورده بود؟
مهدوی کیا خورده بودم اما در آن زمان من در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد. من در آن زمان در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد.

مهدوی کیا خورده بود؟
مهدوی کیا خورده بودم اما در آن زمان من در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد. من در آن زمان در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد.

مهدوی کیا خورده بود؟
مهدوی کیا خورده بودم اما در آن زمان من در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد. من در آن زمان در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد.

مهدوی کیا خورده بود؟
مهدوی کیا خورده بودم اما در آن زمان من در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد. من در آن زمان در دفاع راست بازی می‌کردم و او در دفاع چپ بازی می‌کرد.

با ولی‌الله صالح نیا پدر بدنسازی تیم‌های ایرانی از پرسپولیس تا استقلال صدوقچه عزیز خاطرات!

ولی‌الله صالح‌نیا به قول معروف یکی از آن آدم حسابی‌های ورزش ایران است. کسی که می‌توان به او لقب پدر بدنسازی ایران را داد. صالح‌نیا گنجینه‌ای از خاطرات است. هم با استقلالی‌ها و هم با پرسپولیسی‌ها. با او گپ زیادی زدیم و نکته‌های زیادی را مطرح کرد که مهم‌ترین آنها در زیر می‌آید:

● از ۳۵۰ همدوره‌ای من، ۳۰۰ نفر قهرمان آسیا و جهان بودند و بعد از انقلاب هم اکثر چپه‌های تربیت بدنی و دانشجویان تحصیل کرده این دانشکده همه مسئولیت‌های کلیدی ورزش را گرفتند.

● خوشحالم که نخستین رشته ورزشی‌ام دهگانه بود. در دنیا به دهگانه کارها قهرمان قهرمانان می‌گویند چون هماهنگ کردن ۱۰ ماده آن بسیار سخت است. قوی‌تر، سریع‌تر و بالاتر در دهگانه نرفته است. این ماده را تا سال ۶۱ ادامه دادم اما زمستان همان سال، بدنساز آقای کیان طهماسبی که از بازیکنان مصدوم پرسپولیس بود، شدم. در طول فصل هم به تیم پرسپولیس رفتم که همان فصل اولین نایب قهرمانی را کسب کردیم و تا سال ۶۷ که در پرسپولیس بودم، تیم قهرمان شد.

● از زمانی که به پرسپولیس رفتم خوردن کیک و نوشابه از ممنوع کردم. هر عکسی که از پروین و بقیه با کیک و نوشابه هست قبل از رفتن من به پرسپولیس است.

● سر تغییر نام پرسپولیس به پیروزی شایعات زیادی مطرح شده بود. می‌گفتند پروین خانگی در زعفرانیه گرفته تا موافقت خودش با این کار را اعلام کند. من از پروین به بچه‌ها نزدیک‌تر بودم و همه این چیزها را می‌شنیدم. به علی آقا گفتم که بچه‌ها چنین چیزهایی می‌گویند که گفت: «مگر خودشان زبان ندارند؟» در پایان همان فصل قرارداد تمام شد و به یک روز نرسید که رفتم استقلال. خدا بیامرز منصورخان پورحیدری خیلی من را قبول داشت و ادامه فعالیتم در این تیم بود.

● مهدی هاشمی نسیب تازه به استقلال آمده بود و جو خیلی متشنج بود. به تدارکات گفتم گل بگیرد و دست مهدی را گرفتم و پیش آقای پروین بردم. وقتی گل زد و بپوش شد گفتم بلند شو حالا یک گل زدی، گفت نه دلم بر است. بالاخره علی پروین با یکسری بازیکنان سر سازش داشت و با برخی نمی‌ساخت. آن هم از اختیارات خودش استفاده می‌کرد.

● فکر کنم سال ۸۱ بود. چند نفر از بازیکنان روز قبل بازی با ملوان برای تمرین پیش من آمدند و خط و نشان کشیدند که آقای پورحیدری اگر پشت گوشش را دید، قهرمانی را هم می‌بیند. فردا جلوی پله‌های اتوبوس به آقای پورحیدری، نصرالله عبداللهی و مظلومی گفتم این نفرات این حرف را زده‌اند اما آنها باور نکردند. روز مسابقه همان اتفاق افتاد، توپ را گل زدند و راحت گل خوردند. ما با مساوی هم قهرمان می‌شدیم اما باختیم.

● هرگز با دهداری خدا بیامرز کار نکردم اما به من راهنمایی‌های زیادی می‌کرد. همیشه هم تعارف می‌کرد و احترام می‌گذاشت چون می‌دیدند کارم را خوب بلد هستم. در هر تیمی بودم بیشترین ملی‌پوش را داشتم. دوره‌ای که استقلال بودم ۸ استقلالی آماده را تحویل تیم ملی دادم اما به جای من آقای کماسی را با تیم ملی بردند چون رفیق آقای مصطفوی بود.

● یک سال پول حاصل از بلیت فروشی نزدیک به ۳۵۰ هزار تومان شده بود. پول‌ها را در گونی ریخته بودند و به مغازه علی پروین بردیم. اول گفتمد که چون پول‌ها مجاله شده است باید آنها را صاف و تمیز کرد. این کار که تمام شد شمارش کردیم و

● پروین بردیم. اول گفتمد که چون پول‌ها مجاله شده است باید آنها را صاف و تمیز کرد. این کار که تمام شد شمارش کردیم و

● پروین بردیم. اول گفتمد که چون پول‌ها مجاله شده است باید آنها را صاف و تمیز کرد. این کار که تمام شد شمارش کردیم و

گزارش

کمپ پرسپولیس آزاد می‌شود؟

پیمانکار و به بهانه کرونا، پایان این قرارداد با یک متمم تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ تمدید شد. البته پیمانکار فعلی خواهان ادامه فعالیت تا پایان سال جاری است اما با اتفاقات رخ داده، مدیران پرسپولیس زیر بار این درخواست نرفتند و به نظر می‌رسد ۳۱ شهریور روز پایان این همکاری چند ساله خواهد بود. عجیب است که این قرارداد به صورت مشارکتی

پیمانکار و به بهانه کرونا، پایان این قرارداد با یک متمم تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ تمدید شد. البته پیمانکار فعلی خواهان ادامه فعالیت تا پایان سال جاری است اما با اتفاقات رخ داده، مدیران پرسپولیس زیر بار این درخواست نرفتند و به نظر می‌رسد ۳۱ شهریور روز پایان این همکاری چند ساله خواهد بود. عجیب است که این قرارداد به صورت مشارکتی